

EU AFGHANISTAN
PEACE SUPPORT
MECHANISM



میکانیزم حمایت اتحادیه اروپا
از پروسه صلح افغانستان
د افغانستان د سولې څخه
د اروپایي ټولني د ملاتړ تگلاره

وطن: سناریوهای آینده جامعه مدنی افغانستان



Funded by the European Union

فهرست مندرجات

پیشگفتار

۲

مقدمه

۳

مروری بر سناریوها

۴

جدول مقایسوی

۶

سناریوها

۸

کرکره‌های کلکین

۸

خلاصه

۸

زمان بندی

۹

نور از لابلای درزها

۱۳

خلاصه

۱۳

زمان بندی

۱۴

شرکت کنندگان

۲۹

از سناریوها چگونه استفاده کنیم

۳۰

نسیم تغییر

۱۸

خلاصه

۱۸

زمان بندی

۱۹

پرده‌های باز

۲۳

خلاصه

۲۳

زمان بندی

۲۴



پیشگفتار

به تاریخ 15 آگست 2021، با فرار رئیس جمهور سابق اشرف غنی و به دست گرفتن قدرت توسط طالبان، دوره جدیدی در افغانستان آغاز شد. و این تغییر باعث ایجاد عدم اطمینان در مورد آینده وطن و مردم ما گردید.

در این حالت سردرگمی، بسیاری از عرصه های زندگی افغان ها به شدت مختل شده و هزاران نفر کشور را ترک کردند. این درحالیست که معیشت و زندگی روزمره افراد متباقی در کشور سخت تر شده است. در این وضعیت نابسامان، بسیاری از فعالین جامعه مدنی به مشکل می توانند چگونگی پیشرفت را درک کنند.

در پرتو این واقعیت جدید، ضرورت به یک فضایی بود که ذینفعان افغان بتوانند گرد هم جمع شده و تحولات جدید و پیامدهای آن بر آینده کشور، به ویژه آینده جامعه مدنی افغانستان را مشترکاً ارزیابی کنند. در حالی که اجماع گسترده میان اکثر فعالین دخیل در امور افغانستان به خاطر حفظ نهادهای جامعه مدنی موجود است، اما طیف وسیع دیدگاه های متفاوت در مورد نحوه تشکل، فعالیت و شاید مهمتر از همه چگونگی رابطه جامعه مدنی با مقامات بالفعل وجود دارند.

در این چارچوب بود که ما، یک گروه 30 نفره رهبران یا متخصصان جامعه مدنی افغان، تصمیم گرفتیم که در یک پروسه سناریوهای تغییر دهنده برای آینده جامعه مدنی افغانستان شرکت کنیم و مجموعه ای از داستان ها درباره آینده احتمالی را ایجاد کنیم.

ما تیم سناریو، مشترکاً آینده های احتمالی متفاوتی که ممکن قابل قبول باشند، را تصور کرده ایم تا موارد احتمالی که با آن مواجه خواهیم شد را در نظر بگیریم، با آن سازگار شویم و بتوانیم بالای موارد احتمالی تأثیر ایجاد کنیم. هدف مشترک ما توسعه و تشریح درک از بافت تغییر یافته در وطن ما و تعبیر آن در عرصه جامعه مدنی بوده است. این سناریوها را به خاطر ایجاد زمینه تفکر انتقادی درباره آینده افغانستان به ویژه از دریچه جامعه مدنی تشریح می نماییم. این موارد تمامی ما را در نگرش استراتژی یک به انتخاب های چالش برانگیز آینده قادر می سازد و امیدواریم با چشمان باز و خرد بیشتر به پیش برویم.

امضا

اسامی تمامی اشتراک کنندگان

مقدمه

"وطن: سناریوهای آینده جامعه مدنی افغانستان" توسط یک تیم 30 نفری فعالین متعهد و آگاه جامعه مدنی افغانستان که از لحاظ قومی، زبانی، مذهبی، سمتی و نیز از نظر جنسیت، سن، و تخصص متفاوت اند، ایجاد گردیده و دیدگاه ها و نظرات دیاسپورای قبلی و جدید و همکاران آنها در داخل کشور را نیز در خود جابه داده است. آنها نویسندگان و ترتیب کنندگان سناریوهای معرفی شده در این گزارش هستند. این سناریو ها بر اساس اشتراک تجارب و درک اعضای تیم از جامعه مدنی افغانستان و مشوره همکاران آن ها در داخل کشور، تهیه و تدوین گردیده و یک تن از ویرایشگران متعهد و وفادار در انتقال آواز ایشان و با تأیید آن ها در تهیه متن سناریو ها همکاری نموده است.

این تیم برای ایجاد سناریو ها، ضمن دخیل بودن در مصاحبه حضوری با هر یک جهت تشریح نظریات شان، در یک کارگاه حضوری پنج روزه گرد هم آمدند. این فرایند که تحت عنوان 'فرایند سناریوهای دگرگون کننده' مسمی گردید، باعث شد تا گروهی از فعالین جامعه مدنی به طور مشترک برای ساخت سناریو ها برای آینده وضعیتی که خود شان بخشی از آن هستند، همکاری نمایند. هدف این فرایند نه تنها فهم و درک وضعیت در حال تحول برای انطباق با آن، بلکه یافتن راه ها برای تغییر وضعیت و تأثیر گذاری بر مسیر آینده است.

این سناریو ها داستان های احتمالی در مورد آنچه که می تواند در سال های آینده اتفاق بیفتد و مبتنی بر واقعیت فعلی و پویایی پیرامون قطعیت ها و عدم قطعیت های کلیدی است. این ها نه دیدگاه ها، ترجیحات، و یا پیشگویی و پیش بینی از آنچه اتفاق خواهد افتاد هستند و نه این که باید انجام شوند.

این سناریو ها که مرتبط، چالش برانگیز، معتبر و واضح است، در وضعیت کنونی جامعه مدنی افغانستان ریشه داشته و ارائه دهنده داستان های در مورد چگونگی تکامل و عملکرد آینده است. این داستان های قابل قبول تصورات نهایی گروه بوده که فراتر از تصور و انتظار ما است. این از انعکاس باز و سازنده درباره چالش ها و فرصت های پیش روی جامعه مدنی افغانستان و راه های ممکن برای آینده بهتر حمایت می کنند.

در یک وضعیت پیچیده، متعارض و نامطمئن مانند وضعیت کنونی افغانستان، تدوین سناریو می تواند به عنوان راهی برای توسعه نگاه به فراسوی واقعیت کنونی کشور و گسترش چشم انداز های فراتر از مسیر های احتمالی و ترسناک، مفید باشد. سناریو ها می توانند به گسترش تخیل، یافتن احتمالات مختلف و بازگرداندن حس امید و عاملیت کمک کنند. علاوه بر این، وظیفه تهیه داستان های متعدد در مورد آینده، امکان یافتن فرصت های آینده را بدون نیاز به توافق و بدون تعهد به موقعیت های خاص فراهم می کند. سناریو ها ما را قادر به درک این واقعیت می سازد که – اگر چه نمی توانیم آینده را پیش بینی یا کنترل نماییم – اما می توانیم با آن کار کرده و بر آن تأثیر بگذاریم.

هدف این سناریو ها تشویق گفتمان ها و اقدامات عملی در میان مراجع و بازیگران دخیل در قضایای جامعه مدنی افغانستان است. این بازیگران ممکن شامل جامعه مدنی در داخل کشور و در دیاسپورا و همچنین جامعه بین المللی باشد. چنین گفتمان های برای هر سناریو با توجه به طرح مسایل نظیر: "اگر این سناریو اتفاق بیافتد، چه معنی برای ما خواهد داشت؟" و "اگر این سناریو اتفاق افتاد، چه کاری می توانیم انجام دهیم؟ کدام گزینه های را خواهیم داشت؟" ثانیاً، با نگاهی به مجموعه سناریو ها، این را در نظر بگیرید که "با توجه به این آینده های احتمالی متعدد، ما باید چه کاری انجام دهیم؟" آغاز شود.

مروری بر سناریوها

به هر میزانی که آینده جامعه مدنی افغانستان نامشخص و نا معلوم است، برخی قطعیت‌ها نیز وجود دارد. بدین معنی که جامعه مدنی فعال بوده اما اقدامات طالبان و کشورهای موثر بر آن تأثیرگذار می‌باشد و راه پیش رو آسان نخواهد بود.

ابهاماتی نیز وجود دارد: در میان، وضعیت زنان، دسترسی به تحصیل و اطلاعات، رفاه مردم افغانستان، و سطح خشونت و انسجام اجتماعی، از جمله ابهاماتی بود که بیشتر تیم سناریو را نگران ساخته است.

مسیرهای زیادی برای آینده احتمالی پیشرفت افغانستان و جامعه مدنی آن وجود دارد. تیم سناریو چهار مورد را به عنوان مفیدترین برای کاوش انتخاب کرده است.



در سناریوی اول، کرکره‌های کلکین، یک داستان هشدار دهنده می‌باشد. این داستان بر موضوعات همانند این که اگر ترس، انزوا و خشونت رها شود چه اتفاقی می‌افتد، متمرکز است.

در این سناریو، کرکره‌های کلکین، افغانستان همچون یک اتاق بسته، در حاشیه و مجزا از سایر کشورهای جهان بوده و در داخل کشور نیز ارتباطات مردم از هم دیگر قطع است. در این سناریو، حکومت بالفعل به دلیل عدم توجه به خواست‌های شهروندان و جامعه

جهانی، همچنان بدون رسمیت باقی مانده و به منابع محدود سیاسی و مادی دسترسی دارد. رهبری حکومت را عناصر افراطی‌تر به عهده گرفته و با تمام نهادها مطابق با تفسیر خود شان از آموزه‌های دینی، برخورد می‌نمایند. در نتیجه، شرایط زندگی روزمره به طور فزاینده‌ای بدتر، تأمین نیازهای اولیه زندگی دشوارتر و دسترسی به خدمات بسیار اندک بوده و نهایتاً این شرایط ناامیدکننده منجر به ترس، خصومت و خشونت می‌گردد. با گسترش تروریسم و افزایش جنگ‌ها و خشونت میان اقوام الی سال ۲۰۳۰ کشور از هم میپاشد.

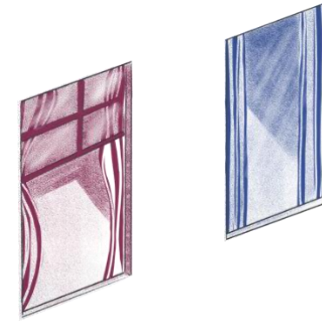


سناریوی دوم، نور از میان درزها، افغانستانی را شرح می‌دهد که تفاوت فاحشی با امروز ندارد. برای بسیاری از افغان‌ها، مانند اتاقی با پنجره‌های کرکره‌ای، احساس خفه‌کننده بوده و تغییر کمی وجود دارد، حرکت بطی است، اما در کرکره‌ها نیز درزهای وجود دارد که پرتوهای نور را به داخل راه می‌دهند.

در این سناریو، حکومت بالفعل توانسته با محدود کردن جریان افکار، انتقادات و فعالیت‌های مخالفان سیاسی و با حفظ سطح پائین رفاه مردم افغانستان، آرامش نسبی و شکننده را در کشور حکمفرما سازد. فعالیت‌های مدنی مجاز بوده که مستقیماً در ارتباط با بقای زندگی مردم باشند در غیر آن سایر فعالیت‌ها نظیر دادخواهی، ظرفیت‌سازی، تحصیل و آموزش رسماً جواز ندارد. هرچند برخی فعالیت‌های جامعه مدنی که تهدیدی را برای

حکومت بالفعل ایجاد نماید از طرف مقامات محلی در بعضی مناطق کشور قابل پذیرش شمرده می شود. کشورهای تمویل کننده ضمن کمک های مالی، روی ایجاد اصلاحات تأکید می نمایند اما سایر کشورها تا حد زیاد از مداخله در امور افغانستان خودداری می نمایند.

بالاخر این وضعیت، بسیاری مردم افغانستان زندگی روزمره دشوار، اما قابل بقاء را تجربه می کنند. در زیر سطح این صلح ظاهری، تنش های زیادی وجود دارد که می تواند فوران کند.



سناریوهای سوم و چهارم عبارت از پرده های باز و نسیم تغییر است. می توان عناصر این دو سناریو را در یک زمان تصور کرد. در هر دوی آن جامعه مدنی نقش فعالی در ایجاد آینده کشور ایفاء می کند. مانند دو سناریوی دیگر، شرایط در ابتداء بسیار دشوار است. با این حال، در هر دوی این سناریوها، جامعه مدنی، نه تنها در تأمین نیازهای روزمره مردم افغانستان، بلکه در فشار برای آینده ای متفاوت نقش بسیار فعالی را ایفاء می کند. در نسیم تغییر، این فشار مانند یک خیزش مردمی علیه حکومت بالفعل شکل می گیرد، در حالی که در پرده های باز، گفتمان میان همه طرف ها راهبردی بوده که به پیشبرد کشور کمک می کند. هیچ یک از سناریوها به آینده ای روشن، آسان و مرفه ختم نمی شود. با این وجود، نسیم تغییر و پرده های باز تصاویری از چگونگی ایجاد جامعه مدنی برای امکان پذیر شدن چنین آینده ای را ترسیم می کند.

در نسیم تغییر، مانند گشودن کلکین و دمیدن نسیم به داخل اتاق، حرکت و تغییر وجود دارد. در این سناریو یک حکومت بالفعل بسته و ناکارآمد در حالی که حقوق شهروندان خویش را محدود می نماید، نمی تواند به نیاز های مردم رسیده گی کند. این وضعیت با گذشت زمان، به نارضایتی تعداد بیشتری از مردم می انجامد. سازماندهی مؤثر رهبران جامعه مدنی افغانستان، که بسیاری از آنها زنان هستند، در داخل و خارج از کشور کمک می کند تا این نارضایتی به یک جنبش اجتماعی برای تغییر تبدیل شود. حال آن که فرصت هایی برای حکومت وجود دارد که اصلاحات را به جای انقلاب انتخاب کند، اما به این فرصت ها عمل نمی شود. علاوه بر این، گسترش خشونت های تروریستی به کشورهای همسایه و به طور بالقوه فراتر از منطقه، سبب می گردد تا سایر کشورها از تغییر حکومت حمایت بیشتر نمایند و بدین ترتیب الی سال ۲۰۳۰ یک تغییر انقلابی بسیار محتمل به نظر می رسد.

در سناریوی نهایی، پرده های باز، همچون باز کردن پرده ها به خاطر دیدن منظره بیرون، توانایی رو به رشدی برای دیدن، درک، ارتباط و تغییر وجود دارد. یک گروه کوچک تغییر از رهبران میانه رو برای گفتگو، آشتی و سازش گرد هم می آیند.

گرچه اعضای این گروه دیدگاه های متفاوتی نسبت به آینده کشور دارند و در میان آنها احساس بدبینی نسبت به گذشته وجود دارد، اما همدیگر پذیری را بهترین شیوه جهت پیشرفت می دانند. هر چند روند این گفتگوها و آشتی بطی و آهسته است اما می تواند کشور را به مسیری فراگیر در آینده سوق دهد.

بازیگران بین المللی در تسهیل و ایجاد زمینه های گفتگو دخیل بوده و می کوشند تا این پروسه به رهبری افغان ها به پیش برده شود. شرایط زندگی مردم در افغانستان به تدریج از طریق افزایش حقوق، دسترسی به نیازهای زندگی و انسجام اجتماعی در حال بهبود است.

جدول مقایسوی

آینده ممکن ترکیبی از هر چهار سناریو مطرحه و یا سناریوهای دیگری باشد. لذا، برای بحث و درک واضح تر این پویایی‌های پیچیده، آنها را به سناریوهای متفاوتی متمایز می نماییم. در جدول زیر نسخه‌های ساده شده عناصر کلیدی سناریوها مقایسه گردیده است.

کرکره پرده	نور از میان درزها	جنبش مردمی	پرده های باز
ماهیت سناریو			
ماهیت این سناریو چیست؟	حاکمیت ترس و رقابت تفرقه و اختلاف باعث از هم گسیختگی می‌شود	پایداری شکننده منجر به سطوح بالای کنترل همراه با درزها به‌خاطر حفظ ثبات می‌شود	به‌خاطر به تنگ آمدن از وضعیت، مردم برای تغییر حکومت بالفعل منسجم می‌شوند
ویژگی های کلیدی	نزاع و شکست	ناسازگاری و محدودیت	دیالوگ و آشتی
استراتژی‌ها و اهداف فعالین کلیدی			
هدف اولیه جامعه مدنی	بقا و نجات	تأمین نیازهای اولیه مردم افغانستان و جامعه مدنی	تشکیل جامعه ای فراگیر
استراتژی‌های مسلط به کار گرفته شده توسط جامعه مدنی	حمایت بین المللی و افزایش آگاهی	ارائه خدمات غیر سیاسی و فعالیت های مخفیانه در کشور، تداوم دادخواهی در خارج از کشور	ظرفیت سازی برای گفتگو و تأمین صلح، گفتگوهای رسمی و غیر رسمی
اقدامات مشخص مقامات حکومتی	تلاش مستمر برای حفظ کنترل جدی و سازش ناپذیر، تلاش برای کنترل گروپ های تروریستی مخالف و عناصر مسلح دیگر	تلاش برای حفظ ثبات شکننده از طریق سهل گیری متوسط	مشارکت در دیالوگ به سوی حکومت همه شمول، حمایت توسعه
اقدامات مشخص فعالین بین المللی	تعدادی از کشورهای خارجی، گروه‌های مسلح مخالف حکومت بالفعل را از لحاظ مالی و تجهیزات نظامی کمک می‌نمایند	فشار به‌خاطر ایجاد تغییرات محدود در حصه وضعیت زنان، تمویل مالی رفع بعضی از نیازهای اساسی مردم ، کمک های بشردوستانه	مشارکت بالا، تأمین منابع مالی، فراهم کردن بسترهایی دیالوگ، حمایت از توسعه، ظرفیت سازی و تأمین نیروهای حافظ صلح

تجربه مردم ساکن در افغانستان

<p>افزایش افراد تحصیل کرده و استخدام شده دخیل در دیالوگ ها</p>	<p>بهبود تدریجی دسترسی به تحصیل و کار، رهبری جنبش مقاومت</p>	<p>دسترسی محدود به آموزش و کار و تجربه فقر و خشونت های خانوادگی</p>	<p>عمدتاً فقیر، بی سواد، بیکار، منزوی، سرکوب شده، و به طور فزاینده ای تحت تأثیر درگیری های خشونت آمیز، و گرفتن سلاح</p>	<p>وضعیت زنان</p>
<p>به طور فزاینده ای خوب، ایمن و مطمئن</p>	<p>افراد در ابتداء در شرایط بدی هستند اما به تدریج بهبودی را تجربه می کنند</p>	<p>زنده ماندن، بدون رفاه</p>	<p>رو به وخامت متداوم منجمله دسترسی ضعیف به ضرورت های اولیه و ایمنی</p>	<p>رفاه مردم افغانستان</p>
<p>آزادی بیان و آزادی تجمع در حال گسترش اند</p>	<p>آزادی بیان و تجمعات محدود اما رسانه های اجتماعی قابل دسترسی اند</p>	<p>آزادی بیان یا تجمع محدود است. دسترسی به اطلاعات برای همه محدود است، و رسانه ها تحت محدودیت فراوان و رسانه های اجتماعی تا حدودی غیر قابل اعتماد می باشد</p>	<p>آزادی بیان وجود ندارد و دسترسی به اطلاعات بسیار محدود است</p>	<p>دسترسی به اطلاعات و ایده ها</p>
<p>هویت های اقوام مختلف آشکار و مورد بحث قرار می گیرند.</p>	<p>تفاوت های قومی حتی الامکان کم اهمیت اند، بدون حضور و نمایندگی مناسب در تصمیم گیری های کلیدی</p>	<p>با اقوام مختلف به گونه ای متفاوت رفتار می شود</p>	<p>تنش های موجود بشکل جنگ های فردی و گروهی تبارز می کند</p>	<p>تفاوت های قومی</p>

کرکره‌های کلکین

یک اتاق کاملاً بسته را تصور کنید. تاریک و منزوی است. احساس کمی از زمان با ارتباط با آنچه در خارج اتفاق می‌افتد، وجود دارد.

در این سناریو، افغانستان همچون یک اتاق بسته، در حاشیه و مجزا از سایر کشورهای جهان قرار گرفته و در داخل نیز ارتباطات سازنده بین مردم کشور محدود است. در این سناریو، حکومت بالفعل حاضر نیست که در برابر خواسته‌های مردم کشور و جامعه جهانی تسلیم گردد، به این دلیل بدون رسمیت باقی مانده است. این به نوبه خویش باعث می‌گردد حکومت بالفعل به منابع سیاسی و مالی دسترسی محدود داشته باشد. رهبری و اداره کشور عملاً به دست عده‌یی از عناصر افراطی‌که تمام امور را مطابق دیدگاه خویش از آموزه های دینی تفسیر می نمایند، سقوط نموده است. در نتیجه، شرایط زندگی روزمره بطور فزاینده ای بدتر، تأمین نیازهای اولیه زندگی دشوارتر و دسترسی به خدمات بسیار اندک می‌باشد. این شرایط ناامید کننده، منجر به ترس، خصومت و خشونت هرچه بیشتر در جامعه می‌گردد. افزایش مداوم کشت مواد مخدر و خشکاش و همچنین تشدید فعالیت‌های مسلحانه ضد طالبان در سراسر کشور وجود دارد که منجر به ضعف امنیتی و افزایش تعداد افراد آواره می‌شود. در نتیجه افزایش تهدیدات تروریستی و همچنین جنگ‌ها و خشونت میان اقوام، تا سال 2030 به نظر می‌رسد که کشور ممکن از هم بپاشد.



زمان بندی

در سال 2022 تغییرات محدودی در روابط میان حکومت بالفعل افغانستان و سایر نقاط جهان ایجاد شده، حکومت بالفعل توسط هیچ کشور دیگری به رسمیت شناخته نشده است. به استثنای کمک های اضطراری، کمک مالی دیگری وارد کشور نمی شود. همزمان خشونت های تروریستی با بمب گذاری، حملات انتحاری و نظیر آنها در مناطق مختلف کشور اتفاق می افتد. کاریابی دشوار بوده که در نتیجه مشکلات سیستم بانکی و محدودیت فعالیت های اقتصادی در داخل کشور، ارزش پول ملی رو به کاهش می باشد. با وجود روابط تجارتي محدود با سایر کشورها مردم افغانستان حتی برای خرید نیازهای اولیه روزمره با مشکلات جدی دست و پنجه نرم می نمایند. در نتیجه این عوامل، ماهانه صدها افغان کشور را ترک می کنند. فضای ترس، ناامیدی و انزوا بر زندگی افغان ها در داخل و خارج از کشور سایه افکنده است.



ناامیدی و به تنگ آمدن ناشی از بحران اقتصادی منجر به اعتراضات مدنی و مبارزات مسلحانه در نقاط مختلف کشور می شود.

در اوایل سال 2023، در حالی که مکاتب به شدت تحت نظارت قرار دارند، حکومت بالفعل مکاتب را برای دختران بالاتر از صنف ششم بازگشایی نموده و نصاب تعلیمی مکاتب در همه سطوح، به شمول پوهنتون ها، به گونه ای بازنگری می شود که تأکید بیشتر بر آموزش دینی دارد. در نتیجه حضور شاگردان ذکور و اناث به میزان قابل توجهی کاهش می یابد.

اکثریت افغان های فعال سیاسی در دیاسپورا از پالیسی اعمال فشار کشورهای میزبان شان برحکومت بالفعل برای ایجاد تغییرات از جمله گسترش نصاب تعلیمی، حقوق زنان برای برگشت به کار و افزایش آزادی بیان، حمایت و پشتیبانی می نمایند. در نتیجه این حمایت و همچنین تقاضاهای رقابتی برای توجه در صحنه ژئوپلیتیک، تعداد کمی از کشورها به گفتگوهای دیپلماتیک غیررسمی با حکومت بالفعل ادامه می دهند و برای اصلاحات فشار می آورند، اما این فشارها نتیجه اندکی دارد.

حکومت بالفعل انرژی خود را بر اطمینان از تطبیق تعریف اش از قوانین مذهبی و مبارزه با نیروهای تروریستی متمرکز می کند. در سراسر کشور، افرادی را استخدام می نماید تا هر گونه عملکردهای حکومت بالفعل را به چالش بکشد یا با تعریف مذهبی آن ها مغایرت داشته باشد، را اطلاع دهند. وزارت امر به معروف و نهی از منکر اهمیت و نفوذ بیشتری پیدا نموده و تضمین می کند که قوانین محدود شده به شدت اجراء می شوند، به شمول محدودیت سفر زنان بدون مرد محرم، اجتماعات عمومی، پوشیدن حجاب، اطمینان از بسته شدن تمامی کارها در اوقات نماز و حضور مردم در مساجد. آنها همچنین اجرای آهنگ، موسیقی و رقص را ممنوع و فعالیت های فرهنگی را به فعالیت های مذهبی محدود می کنند. جشن های فرهنگی مانند جشن نوروز (اولین روز سال شمسی) و شب یلدا (طولانی ترین شب سال) ممنوع است.

حکومت بالفعل با این نگرش که اکثر فعالین مدنی غرب گرا و فعالیت های مدنی پدیده های غربی اند، فعالیت های مدنی را در کشور محدود واز ارائه جواز فعالیت به سازمان های جامعه مدنی خود داری می نماید. با توجه به اینکه تعدادی از شوراهای محلی و سازمان های مذهبی به نحوی فعال هستند و در راستای بهبود زندگی مردم فعالیت می نمایند، اما در کل نقش جامعه مدنی در ارائه خدمات به مردم به شدت محدود می شود و این موضوع باعث شده تا کمک های بین المللی نیز کاهش یافته و یا به طور کامل قطع گردد. با این حال، به هر فعالیتی که فراتر از ارائه خدمات اولیه باشد اجازه داده نمی شود و قادر به دریافت بودجه نیست. هنگامی که شوراهای محلی گرد هم می آیند، ناظران همواره حضور دارند و وسعت



موضوعات مورد بحث را محدود می‌کنند. انتقاد از دین، حکومت بالفعل، و نقد تفسیر حکومت بالفعل از مسایل دینی با پیامدهای رسمی یا غیر رسمی مواجه می‌شود.

بسیاری از خدمات حکومتی محدود می‌شود، به گونه مثال ظرفیت توان سیستم حقوقی رسمی در رسیده‌گی به مسایل حقوقی در کشور کاهش می‌یابد و این موضوع باعث می‌گردد تا بیشتر افراد قضایای حقوقی خویش را به سیستم قضایی محلی رجوع دهند و یامایوس از وضعیت برای پیشبرد آن هیچ تلاشی ننمایند.

در این شرایط بیشترین توجه بر مهار و کنترل جرایم اخلاقی شده و به سایر مسایل اجتماعی نظیر خشونت‌های خانوادگی و یا اختلافات و تنش‌های بین افراد کم‌تر پرداخته می‌شود. که در نتیجه تنش‌های اجتماعی در سطح جامعه افزایش یافته و باعث می‌گردد تا اکثریت مردم در رنج و ناامیدی بسر برند.

مشکلات سیستم صحتی نیز بیشتر می‌شود. بسیاری از مردم به آب آشامیدنی صحتی، تغذیه کافی و مراقبت‌های صحتی دسترسی ندارند و تعداد بسیار کمی از داکتران زن و متخصصین در کشور باقی می‌مانند و کمبود دوا نیز بیشتر می‌گردد.

حکومت بالفعل فعالیت رسانه‌ها را محدود، نشرات آنها را به شدت سانسور و دسترسی به پلتفرم‌ها و رسانه‌های اجتماعی را در داخل کشور محدود می‌نماید. پخش هرگونه برنامه و گزارشی که در مغایرت با ارزش‌های حاکمان و یا بیانگر نقد و انتقادی بر کارکرد حکومت بالفعل باشد، در رسانه‌های متعارف کشور جواز ندارد. اعتراضات مدنی نیز ممنوع و معترضین بازداشت و مجازات می‌شوند.

کشت و قاچاق مواد مخدر با وجود ممنوعیت، به سرعت در حال رشد بوده و قاچاق و فروش اسلحه در حال افزایش است. همچنین دزدی و سایر جرایم کوچک به ویژه در مناطق شهری افزایش یافته و نسبت احساس ناامنی، بسیاری مردم برای اطمینان از امنیت شخصی خود سلاح می‌خرند.

گروه‌های غیرنظامیان مسلح ضد حکومتی شروع به تشکیل می‌کنند که برخی از آنها فقط توسط زنان تشکیل شده‌اند. این گروه‌ها در مناطق دور افتاده و خارج از نظارت حکومت

مستقر می‌شوند. آنها از طریق ارتباط با افغان‌های مقیم دیاسپورا به سلاح و آموزش دست می‌یابند اما تا سال 2023 توانایی حملات فزینگی را ندارد.

حکومت بالفعل در سال 2024، با ناامیدی از عدم موفقیت در مهار گروه‌های تروریستی، شروع به استخدام اجباری مردان در سراسر کشور برای پیوستن به نیروهای امنیتی خود کرده است. برای تغذیه و مراقبت از این نیروها، حکومت بالفعل عملاً عشر و زکات را از مردم روستاها دریافت می‌کند و مالیات زیادی را بر مردم شهرها وضع می‌نماید. جنگ‌های مسلحانه میان نیروهای امنیتی، جنگجویان مسلح مخالف و تروریست‌ها افزایش یافته است. همزمان گروه‌های تروریستی حملات خود را فراتر از افغانستان در کشورهای همسایه آغاز کرده اند. با گسترش روزافزون نیروهای امنیتی وابسته به حکومت بالفعل در سراسر کشور، گروه‌های غیرنظامی مسلح نیز دست به سبوتاژ و حملات بر نیروهای امنیتی حکومتی می‌زنند.



با افزایش فعالیت گروه‌های غیرنظامی مسلح ضد طالبان، حکومت بالفعل توجه خود را به تحقیق و نفوذ در این گروه‌ها معطوف می‌کند. بسیاری از گروه‌های غیرنظامی مسلح حول محوریت و هویت‌های قومی مشترک سازماندهی شده‌اند. در نتیجه، حکومت بالفعل برای از بین بردن این گروه‌ها تلاش می‌کند. در پی حمله گروه‌ها، نیروهای امنیتی با نابودی وحشیانه بسیاری از ساکنان، اقدام تلافی جویانه بالای مردم می‌کنند. با انتشار اخبار این رویدادها، ترس از پاکسازی قومی بالقوه در میان گروه‌های مختلف افزایش یافته است. در نتیجه، عضویت در گروه‌های غیرنظامی مسلح افزایش می‌یابد.

فعالین جامعه مدنی در دیاسپورا همچنان برای افزایش آگاهی در مورد بحران کشور دخیل می‌باشند. آنها از ارتباطات با مردم داخل کشور برای تقویت صدای شان در رسانه‌های بین‌المللی و رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و بر حکومت‌های میزبان فشار می‌آورند تا افرادی که از افغانستان فرار می‌کنند به ویزا دسترسی داشته باشند و پناه بگیرند و از استقرار پناهنجویان جدید در کشورها میزبان‌شان حمایت می‌نمایند. آنها همچنین از ادامه کمک‌های اضطراری برای کسانی که در کشور زندگی می‌کنند دفاع نموده و تلاش می‌ورزند تا جنایات مرتکب شده توسط گروه‌های مختلف را مستند سازی نموده تا با استفاده از آن روزی از روند عدالت انتقالی حمایت نمایند.

در سال 2026 اختلافات درونی در حکومت بالفعل افزایش می‌یابد. عوامل بنیادگرا و مترقی از وخامت روزافزون شرایط در کشور ناراضی هستند. فشارها در داخل حکومت برای روند صلح با گروه‌های غیرنظامی مسلح، برای افزایش آزادسازی به منظور برقراری مجدد روابط با سایر کشورها، پایان دادن به بحران و اتحاد با گروه‌های تروریستی وجود دارد. این تنش‌ها منجر به انارشی و همچنین تلاش برای گرفتن قدرت می‌شود. این بی‌ثباتی در حکومت بالفعل توانایی آن را برای مهار مؤثر نیروهای مخالف ثبات در کشور تضعیف می‌کند.

در سال 2028، خشک‌سالی و جنگ‌های مسلحانه منجر به جمع‌آوری محدود محصولات می‌شود. ادامه کاهش ارزش پول به این معنی است که مردم در کشور دسترسی بسیار محدود به مواد غذایی دارند. کمک‌های اضطراری توسط فعالین بین‌المللی برای جلوگیری

شهرهای عمده سرحدی در معرض خطر الحاق به کشورهای همسایه قرار داشته و تمامیت ارزی کشور با چالش روبرو است.

آیا حکومت بالفعل می تواند تمامیت ارضی کشور را حفظ کند؟ آیا کشور تجزیه خواهد شد؟ سرنوشت مردم افغانستان چه خواهد شد؟ آیا سایر فعالین در کشور مداخله نظامی خواهند کرد؟

از قحطی فراهم می شود. اما چندین کاروان کمک مواد مورد حمله قرار می گیرند که منجر به گرسنگی در برخی از مناطق می شود. افغانها به صورت متواتر کشور را ترک می کنند، در سال 2028 اوج جدیدی مهاجرت مشاهده می شود و هر هفته هزاران نفر کشور را ترک می نمایند. در نتیجه، بسیاری از کشورها از گروه های غیرنظامی مسلح مخالف حکومت بالفعل حمایت پنهانی می کنند.

در سال 2030، حکومت بالفعل با چالش های مهمی در داخل و حفظ سرحدات کشور مواجه است. نیروهای مسلح زیاد تروریستی و گروه های مسلح قومی در این کشور وجود دارند که می خواهند حاکمیت این کشور را به دست بگیرند. در عین حال، گروه های غیرنظامی مسلح به طور فزاینده ای در اتحاد با کشورهای همسایه کار می کنند. این کشور به سمت تجزیه می رود و خطر پیوستن برخی مناطق به کشورهای همسایه وجود دارد.

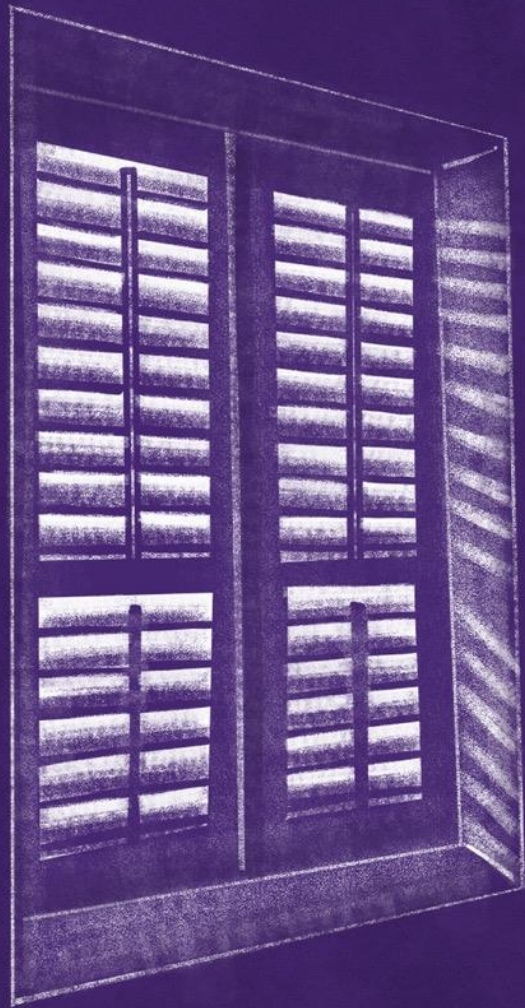


نور از لابلای درز ها

یک اتاق بسته و خفه کننده را تصور نمائید. هوا بیشتر تاریک شده است. در این سناریو، مانند اتاقی با پنجره های کرکره ای، احساس خفه کننده ای وجود دارد. تغییر محدود و حرکت بطنی وجود دارد. با این حال، در تاریکی، اما برخی از درز ها یا روزنه های کوچک نیز در دریچه ها وجود دارد که پرتوهای نور را به داخل راه می دهد.

در این سناریو حکومت بالفعل توانسته ثبات نسبی را در کشور ایجاد کند. این ثبات با محدود کردن جریان افکار و انتقادات، محدود کردن مخالفان سیاسی و با تلاش برای حفظ سطح ابتدایی رفاه برای مردم افغانستان برقرار و حفظ می شود. فعالیت جامعه مدنی در کشور در ساحاتی که مستقیماً بقای مردم مورد حمایت قرار گیرد، مجاز می باشد. سایر فعالیت ها همچون، دادخواهی، ظرفیت سازی، یا تحصیل رسماً مجاز نیست. هرچند، از سوی حکومت بالفعل کم رسایی های وجود دارد ولی جامعه مدنی تا زمانی که حکومت بالفعل مورد تهدید قرار نگیرد، نقش بزرگتری را در مناطق و جوامع مختلف دارد. هرچند کشورهای دیگر از مداخله در افغانستان خودداری می کنند.

در نتیجه این وضعیت، اکثریت مردم افغانستان زندگی دشوار روزمره اما قابل بقاء و ثبات و حمایت را تجربه می کنند. از آنجایی که آزادی بیان وجود ندارد، بیشتر فعالیت ها به شدت محدود ساخته می شوند، احساس خفقان آوری نیز سراسر کشور را فرا گرفته که تحت این ثبات درز های زیادی وجود داشته و تهدید کننده است.



زمان بندی

حکومت بالفعل از سال 2022 عمدتاً توسط یک گروه قومی رهبری می شود. تا اواخر سال 2022 تعداد قلیل نماینده‌گان اقوام مختلف افغانستان در بست‌های متوسط مدیریتی تقرر می‌یابند که مدت طویل در این بست‌ها باقی می‌مانند. حکومت بالفعل نیز افراد خدمات ملکی وفادار را در بست‌های والیان ولایات تعیین می‌کند. در این زمان تغییرات بسیار کمی در قوانین ایجاد می‌شود، اما به صورت عموم قوانین در سراسر کشور به صورت تصادفی تطبیق می‌شوند. نحوه تنفیذ قوانین منوط به قومیت قربانیان و افراد ناقض قانون بوده و با موجودیت تفاوت‌های منطقی تطبیق می‌گردد.

ارتباطات بسیار محدود میان فعالین جامعه مدنی و مسئولین بالفعل وجود دارد. گروه‌های معترضین برای گفتگو با حکومت بالفعل دسترسی ندارند و عمدتاً سرکوب می‌شوند. تعداد کمی از افراد مربوط به گروه‌های معترض در کشور باقی می‌مانند.

حکومت بالفعل مکاتب را تا پایان سال 2022، به روی همه اطفال و جوانان به‌شمول مکاتب ثانوی انات باز می‌کند. با در نظر داشت و حفظ ثبات و حمایت از ارزش‌های اصلی حکومت بالفعل، نصاب تعلیمی بر سواد ابتدایی و آموزش دینی برای دختران متمرکز بوده و برای پسران مضامین دینی، علوم، ریاضیات و موضوعات منتخب تاریخ و تجدید نظر شده آموزش داده می‌شود.



زنان تنها در صورتی اجازه کار در خارج از خانه را دریافت می‌کنند که فضاها کاری شان جدا از مردان باشد. آنها همچنین موظف به پوشاندن صورت شان بر اساس قانون حجاب حکومت بالفعل هستند. زنان مجاز به انجام انواع بسیار محدود از مشاغل و کار هستند.

افغان‌های مقیم خارج از کشور همچنان به ایفای نقش فعال خود ادامه می‌دهند. بسیاری از افرادی که در خارج زندگی می‌کنند، با ارسال و حواله پول به خانواده‌ها کمک می‌نمایند تا زنده بمانند و با سرمایه‌گذاری‌های کوچک زمینه کار را ایجاد می‌کنند. فعالین و سازمان‌های جامعه مدنی در خارج از کشور همچنان در دادخواهی و حمایت فعالین و کمک‌کنندگان بین‌المللی فعال باقی می‌مانند. آنها حامی اقدامات و برنامه‌های حمایتی رفاه مردم افغانستان اند. اولویت‌های حمایتی آنها شامل تضمین حق زندگی، آموزش، انتخابات، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، حقوق زنان و حقوق بشر است. برای پیشبرد این اهداف از کمک‌کنندگان می‌خواهند تا کمک‌های شان را ادامه دهند و تأمین بودجه را با ایجاد تغییرات و اولویت‌ها، مانند افزایش آزادی بیان و اجازه دادن به برنامه‌های ظرفیت‌سازی برای زنان، مرتبط کنند. هدف آنها تضمین این است که مردم افغانستان فراموش نشوند، زنان از حقوق برخوردار گردند و امید برای ایجاد حکومت فراگیر، که مبتنی بر رای مردم و از طریق انتخابات باشد، در آینده زنده بماند.

در سال 2023 کانال‌های رسانه‌ای که در کشور باقی می‌مانند، سیاست خودسانسوری را اتخاذ می‌کنند. رسانه‌های محلی می‌تواند به زبان‌های مختلف دیدگاه‌های انتقادی بیشتری را بدون پیامد نشر و به اشتراک بگذارند. گزارش‌های این منابع رسانه‌ای توسط اعضای جامعه مدنی افغانستان که در دیاسپورا زندگی می‌کنند جمع‌آوری و در پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی جهانی پخش می‌شود. رسانه‌های اجتماعی با وجودی که به‌طور گسترده اطلاعات نادرست را پخش می‌کند برای بسیاری از مردم افغانستان به یک منبع



اطلاعاتی معتبر تبدیل می‌گردند. در نتیجه مردم کشور از آنچه در داخل و خارج کشورشان اتفاق می‌افتد اطلاعات کمی خواهند داشت.

در اواخر سال 2023، فعالان جامعه مدنی که مورد اعتماد حکومت بالفعل هستند، جوازهای فعالیت شان را منحصراً ارائه کنندگان خدمات، حمایت کنندگان معیشت، ارائه کنندگان خدمات صحتی و طبی و تطبیق کنندگان پروژه‌های زیربنایی را دریافت می‌کنند. با آغاز فعالیت این نهادها، فعالین جامعه مدنی، همراه با رهبران مذهبی در صورتی که در سطح محل کدام تنش به وجود بیاید برای کاهش آن تنش‌ها کمک می‌کنند. در سطح حکومت بالفعل تعداد افراد حامی جامعه مدنی وجود دارند که اجازه انجام این فعالیت‌ها را می‌دهند. با وجودی که در شماری از ولایات والیان هر گونه فعالیت را منع می‌کنند اما در برخی دیگر آن والیان حامی جامعه مدنی هستند.

در جایی که سازمان‌های جامعه مدنی به جوامع خدمت می‌کنند، با بودجه‌های ناچیز عمل می‌کنند. آنها عمدتاً به کارکنان محلی و داوطلبانی متکی هستند که از نزدیک با نیازهای مردمی که از آنها حمایت می‌کنند و به آنها خدمت می‌نمایند، در تماس هستند. آنها بر رفع نیازمندی‌ها طوری تمرکز می‌کنند که می‌تواند تا حد امکان توسط خود جوامع حفظ شود و با فرهنگ و ارزش‌های جوامع و حکومت بالفعل همسو باشد.

در این دوره جامعه مدنی افغانستان در تبعید همچنان به مستندسازی موارد نقض حقوق بشر برای اهداف پاسخگویی و نیز حمایت در پلتفرم‌های بین‌المللی ادامه می‌دهد.

تا این زمان برای جامعه مدنی واضح می‌شود که بسیاری از فعالیت‌ها مجاز خواهد بود، مشروط بر اینکه مخالف حکومت نباشد و آشکارا با تعریف حکومت از قوانین دینی مخالفت نکند. در نتیجه، جامعه مدنی به تدریج در طیف وسیع‌تری از عرصه‌ها، اما به شکل مخفیانه فعالیت می‌کنند. مثلاً، مکاتب کوچک به‌خاطر تدریس به دختران با نصاب تعلیمی که به گونه مخفی آموزش می‌دهند، در سراسر کشور ایجاد می‌شوند. شبکه‌های جامعه مدنی و سازمان‌های رسانه‌ای ظهور می‌کند که از کانال‌های مخفی و رمزگذاری شده برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند.



کمک‌کننده‌ها آغاز به تأمین بودجه برای کمک‌های بشردوستانه کرده و به تأمین مالی توسعه اساسی نیز گسترش می‌دهند. به دلیل بسیاری از موانع بوروکراتیک، جریان این وجوه کند است. کشور های همسایه مرز های خود را با افغانستان تقویت می‌کند. اعتراضات به ندرت راه اندازی می‌شود و فعالان جامعه مدنی استراتژی‌های را اتخاذ می‌کند که کمتر عمومی است. فعالیت های مخفیانه توسط جامعه مدنی افزایش می‌یابد و حمایت‌های محلی منجر به افزایش امکانات برای فعالیت جامعه مدنی می‌شود. سطح ارائه خدمات در مناطق مختلف بسیار متفاوت است. در مناطقی که آموزش های دینی آزادانه‌تر تفسیر می‌شوند، دسترسی به انواع خدمات بیشتر و بگونه متفاوت توسط جامعه مدنی، مانند میزبانی گفت‌وگوها، ایجاد طرح‌ها و دیدگاه های اجتماعی و ایجاد ظرفیت وجود دارد. این منجر به افزایش کار در عرصه زراعت، اعمار و سایر کارهای اساسی می‌شود. در سایر مناطقی که هم توسط جامعه مدنی و هم توسط حکومت بالفعل به گونه درست خدمات ارائه نمی‌گردد، حتی نیاز های اولیه زندگی نیز به‌گونه بسیار ضعیف قابل دسترس می باشد.

علاوه بر تفاوت‌های جغرافیایی، خدمات و حمایت های متفاوت و قابل ملاحظه ای در سطح حمایت اقوام مختلف وجود دارد. جوامع کمتر حمایت شده، معمولاً کسانی هستند که از لحاظ تاریخی در افغانستان به حاشیه رانده شده اند. این تفاوت‌ها در سطوح مختلف بسیار متفاوت است که در بعضی ساحات حمایت حکومت بالفعل کم ولی در برخی‌ها بیشتر است. شکاف میان اقوام با ارسال پیام از طریق رسانه‌های عامه و رسانه‌های اجتماعی که تمایل به ایجاد اختلاف فزاینده بین اقوام دارند، بیشتر می‌شود. گاهی اوقات جنگ های میان اقوامی رخ می دهد، اما هیچ گونه خشونت فیزیکی رسمی مستقیم علیه جوامع مختلف وجود ندارد.

نیاز های اولیه زندگی مانند غذا، سرپناه و مراقبت های صحی برای اکثر مردم در وضعیت دشوار باقی می‌ماند. بسیاری از افغان ها فقر قابل توجهی را تجربه می کنند، اما اقداماتی مانند فروش اطفال یا فروش اعضای بدن آنها کاملاً متوقف می‌گردد چون اکثر افغان ها می توانند با دریافت کمک ها زنده بمانند.



در سال 2024، حکومت بالفعل انرژی زیادی را به‌خاطر جلوگیری از رشد تروریسم متمرکز می‌کند، زیرا ظهور گروه های مذهبی و مسلح دیگر بزرگترین تهدید است که با آن مواجه می‌گردد. اسلحه به شدت کنترل می‌شوند و کسانی که مظنون به عضویت در داعش، القاعده و سایر گروه های تروریستی هستند، زندانی می‌شوند.

تظاهرات برای برگزاری انتخابات ملی سازماندهی می‌شود. میزان مشارکت در این اعتراضات کمتر از حد انتظار بوده اما به طرز وحشیانه ای توسط حکومت بالفعل سرکوب می‌گردد. بسیاری از فعالان جامعه مدنی دخیل در این روند دستگیر شده و یا از کشور فرار می کنند. در نتیجه بعضی از شبکه‌ها و فعالیت‌های که در سال‌های گذشته وجود داشت، سرکوب یا منحل می‌شود. اما بسیاری از فعالیت‌های محلی که توسط حکومت بالفعل به رسمیت شناخته شده و حمایت می‌شود، ادامه می‌یابد.

حکومت بالفعل چندین اصلاحات مهم را بوجود می آورد که منجر به یک حکومت غیرمتمرکزتر می‌شود. بسیاری از وظایف و تصمیمات به سطح ولایات واگذار می‌شود. هیچ تغییر قانونی وجود ندارد، اما عملاً حکومت بالفعل والیان را تشویق می‌کند که اجراءات مستقلانه کنند. در نتیجه، در سال 2025 در برخی از ولایات ها که بازتر اند و به جامعه مدنی در داشتن یک نقش بزرگتر اجازه می دهند. شبکه‌های غیررسمی جامعه مدنی در سراسر کشور موفقیت‌های خود را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند و حمایت در سطح ولایت به آرامی رشد می‌کند. مقامات حکومتی بالفعل که در وهله اول به حفظ ثبات می‌اندیشند، عمدتاً اجازه می‌دهند که این تغییرات بدون چشم پوشی یا تصدیق رسمی، انجام شود.

از این گونه فعالیت‌های مخفیانه برخی مقامات محلی آگاه اند ولی از آن چشم پوشی می‌کنند، رهبران یا مسئولین محلی با پیامدهای شخصی مواجه می‌شوند. حکومت بالفعل از این موضوع آگاه است که خدمات تهدیدآمیزی که مردم به آنها وابسته هستند ممکن منجر به ناآرامی عمومی شود. به این ترتیب، تلاش های برای ارائه خدمات جایگزین، یا اجازه دادن به خدمات مورد نیاز، حتی با مجازات نافرمانی، ادامه می‌یابد.

از سال 2025 سازمان‌های جامعه مدنی در نتیجه خدمات مؤثر و همسو با فرهنگی خود، به طور فزاینده‌ای توسط رهبران مذهبی، فرهنگی و مقامات محلی ارزش قائل می‌شوند و در جوامعی که در آن فعالیت می‌کنند، انعطاف‌پذیری فزاینده‌ای به آنها داده می‌شود. متعاقباً فعالیت‌های جامعه مدنی برای پیشبرد حقوق زنان افزایش می‌یابد. و اقلیت‌ها برای

گسترش آموزش، ایجاد فضاء برای گفتگو، و ایفای نقش به عنوان میانجی و حامی در سیستم های قضایی غیررسمی تلاش می‌کنند. بازیگران جامعه مدنی نیز به طور فزاینده ای نقش خود را در ایجاد پل ارتباطی بین مردم و مقامات بالفعل در سطح ولایت ایفاء می‌کنند.

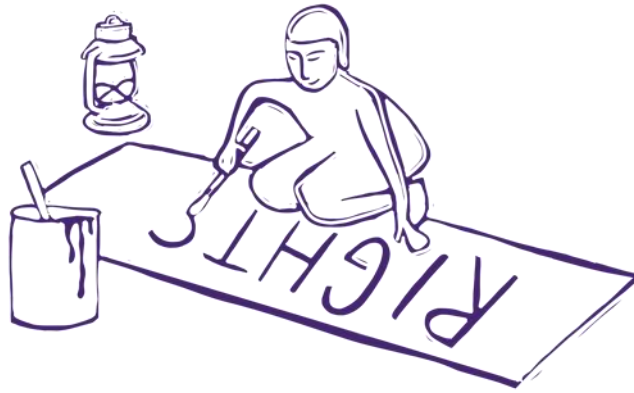
تا اخیر سال 2025، بسیاری از فعالیت‌های مخفیانه جامعه مدنی که در سال 2024 قبل از اعتراضات برقرار بود، دوباره آغاز می‌شود.

شرایط برای مردم و جامعه مدنی در طول دوره 2025-2030 نسبتاً ثابت است. حوادث طبیعی، خشک‌سالی و جنگ های قسمی در سرحدات گاهی آرامش را بر هم می‌زند و برای دوره های کوتاه منجر به افزایش مصیبت می‌شود.

حکومت بالفعل همچنان به حفظ ثبات شکننده ادامه می‌دهد. افغانستان یک کشور مرفه با مردم پر رونق نیست و بسیاری‌ها مانند گذشته در رنج نیستند. اعمال خشونت آمیز که مشخصه دوره حضور آمریکا بود، به ندرت انجام می‌شود و اکثر مردم می‌توانند حداقل

یک سبک زندگی را دنبال کنند. آزادی بیان یا آزادی گردهمایی‌ها وجود ندارد. در حالی‌که زنان قسماً از حقوق اولیه برخوردار اند، اما بسیار محدودتر از مردان هستند. به همین ترتیب، در حالی‌که دختران در حال تحصیل هستند، بسیاری از آنها فقط در زمینه دین آموزش می‌بینند. آنها عمدتاً مسئول آینده افراد در خانواده اند که در آن از خانواده ها مراقبت می‌کنند و موقعیت های حرفه ای نخواهند داشت. جامعه مدنی فعال است و تفاوت مؤثری را ایجاد می‌کند، اما همچنان به شدت محدود است.

این ثبات شکننده تا چه وقت می‌تواند ادامه داشته باشد؟ آیا یک بحران غیرمنتظره، نفوذ خارجی‌ها، شکاف‌های درون حکومت بالفعل، یا تمایل فزاینده مردم به تغییر منجر به اختلال گسترده خواهد شد؟



نسیم تغییر

پنجره باز و وزیدن نسیم را در داخل اتاق تصور کنید. نسیم هوای کهنه را پاک می‌کند و حرکت و تغییر را به ارمغان می‌آورد. تغییر می‌تواند ناسازگار و غیرقابل پیش بینی باشد. ممکن گاهی اوقات پرده‌ها نامنظم شوند و یا کاغذها در روی میز پراکنده شوند. چگونگی و زمان وزش نسیم را نمی‌توان پیش بینی کرد، اما چیزی که قابل اطمینان است این است که نسیم تغییر را ایجاد می‌کند. در این سناریو حرکت و تغییر وجود دارد.

در این سناریو یک حکومت بسته و ناکارآمد در حالی که حقوق شهروندان خویش را محدود می‌نماید، نمی‌تواند به نیازهای آنها رسیده‌گی کند. این وضعیت با گذشت زمان، به نارضایتی تعداد بیشتری مردم می‌انجامد. سازماندهی مؤثر رهبران جامعه مدنی افغانستان، که بسیاری از آنها زنان هستند، در داخل و خارج از کشور کمک می‌کند تا این نارضایتی به یک جنبش اجتماعی برای تغییر تبدیل شود. حال آن که فرصت‌هایی برای حکومت بالفعل وجود دارد که اصلاحات را به جای انقلاب انتخاب کند، اما به این فرصت‌ها عمل نمی‌شود. علاوه بر این، گسترش خشونت تروریستی به کشورهای همسایه و به طور بالقوه فراتر از منطقه، سبب می‌گردد تا سایر کشورها از تغییر حکومت حمایت بیشتر نمایند و بدین ترتیب الی سال 2030 یک تغییر انقلابی بسیار محتمل به نظر می‌رسد.



زمان بندی

در سال 2023 شرایط زندگی مردم در افغانستان بسیار دشوار است. پس از یک فصل خشک‌سالی، قحطی همچنان ادامه یافته و خانواده‌ها برای زنده ماندن مجبور به انتخاب‌های غیر ممکن می‌شوند. ارسال حواله‌های کوچک پول توسط افغان‌ها در دیاسپورا به برخی از خانواده‌ها کمک می‌کند، اما وضعیت برای بسیاری از مردم ناامیدکننده است.

حکومت بالفعل برای جلب و افزایش کمک‌های بین‌المللی و پایان دادن به قحطی، مکاتب را بروی دختران بازگشایی کرده است. نصاب تعلیمی مکاتب منحصر بر آموزش آموزه‌های دینی استوار است. در زمان قحطی کمک‌های غذایی اضطراری که توسط فعالین بین‌المللی توزیع می‌شود، به مردم می‌رسد و از بسیاری از مرگ و میرها جلوگیری می‌کند.

در همین دوره، گروهی از فعالین جامعه مدنی، به رهبری زنان در کشور، شروع به سازماندهی جنبش مردمی می‌کند. هدف آنها اطمینان از رعایت و حمایت حقوق بشر است. آنها خواهان حقوق برای زنان، آزادی بیان و آزادی از تبعیض هستند. بر علاوه، آنها برای حکومت فراگیر و مبتنی بر انتخابات آزاد و منصفانه، که در آن همه مردم افغانستان حق رأی و انتخاب شدن دارند، تلاش نموده و از آن دفاع می‌کنند. آنها استدلال می‌کنند که این پایه و اساس یک حکومت فراگیر و قانونی است. برای حرکت به این سمت، آنها همچنین از ایجاد یک حکومت موقت حمایت می‌کنند که بتواند مسیر را برای انتخاباتی که در آن افغان‌ها بتوانند حکومت آینده خود را انتخاب کنند، هموارسازد. آنها استدلال می‌نمایند که اگر افغانستان به سمت یک سیستم سیاسی فراگیر و مبتنی بر رأی مردم حرکت نکند، آینده کشور احتمالاً با فقر و خشونت رو به افزایش خواهد بود.

تا سال 2024، آنها همچنان برخی از تاکتیک‌های اعتراضی را به کار می‌گیرند، اما این اعتراض‌ها به دلیل افزایش سرکوب و با فرار فعالان از کشور کاهش می‌یابد. متباقی افرادی که تغییر را می‌خواهند با علمای دینی مترقی همکاری می‌کنند تا اهداف خود را در چارچوب تفسیر دینی بیان نمایند. آنها استدلال می‌کنند که یک کشور اسلامی واقعی که از آموزه‌های قرآنی حمایت می‌کند، شامل احترام به این حقوق است. آنها همچنین

چارچوبی برای حقوق زنان ارائه می‌کنند که به عقیده آنها تفسیر غربی نه، بلکه تفسیر اسلامی است.

بسیاری از این رهبران جامعه مدنی استراتژی ایجاد یک جنبش مردمی گسترده را انتخاب می‌کنند تا سعی نمایند بر حکومت بالفعل برای افزایش دسترسی به حقوق اولیه بشر تأثیر بگذارند. تنش میان رهبران جنبش در مورد چگونگی ایجاد تعادل بین حفظ امنیت و تأثیرگذاری بگونه مؤثر بر آینده وجود دارد. تعداد زیادی از این رهبران تصمیم می‌گیرند رویکردی هدفمند داشته باشند، پیام‌ها و استراتژی‌های را برای تعامل با بسیاری از بخش‌های جامعه از طریق ارتباط شخصی ایجاد کنند. این گروه در ابتداء متشکل از زنان، جوانان، گروه کوچکی از علمای مذهبی مترقی و برخی از رهبران سیاسی سابق است.





در سال‌های 2023-2025، آنها در جنبش گروه‌های معلمان، سخنرانان، اتحادیه‌های ده‌ه‌ها و بعضی رهبران سکتور خصوصی مشارکت می‌داشته باشند. تا سال 2026، در میان اعضای این گروه شمار علمای دینی بیشتر می‌شود. با گذشت زمان، رهبری رشد می‌کند و مردان بیشتری شامل این روند می‌شوند. در میان کسانی که به رهبری مشغول هستند، چند نفر وفادار به حکومت بالفعل هستند که به‌طور مخفیانه فعالیت‌های گروه را زیر نظر دارند.

کسانی که به جنبش می‌پیوندند با میل خود شان برای تغییر حکومت متحد می‌شوند. اختلاف و بی‌اعتمادی بین گروه‌های قومی شامل موضوعاتی نیست که معمولاً در این جنبش مورد بحث قرار می‌گیرد. در حالی که بی‌اعتمادی در میان گروه‌های قومی وجود دارد، اما این اختلافات به‌منظور تحقق هدف تغییر حکومت موقتاً کنار گذاشته می‌شود.

این دوره نقض علنی حقوق بشر وجود دارد. در حالی که رسانه‌های خبری رسمی به شدت سانسور شده و اجازه انتقاد از حکومت بالفعل را ندارد، اما رسانه‌های اجتماعی بسیار فعال است. بسیاری از خشونت‌های قومی و خشونت‌های جنسیتی وجود دارد که به‌طور گسترده و گرافیکی در رسانه‌های اجتماعی گزارش داده می‌شود.

حوادث خشونت بار منجمله حملات تروریستی در نقاط مختلف کشور به‌خصوص در مراکزی مانند مکاتب، بانک‌ها و ادارات حکومتی اتفاق می‌افتد. به نظر می‌رسد که عضویت و نفوذ گروه‌های تروریستی در کشور در حال افزایش است. حکومت بالفعل برای کنترل اسلحه و مواد مخدر غیرقانونی که به نظر می‌رسد هر دو عوامل تشدید ناامنی باشند، هیچ‌گونه تلاشی را انجام نمی‌دهد. علاوه بر این گاهی اوقات حملات هوایی توسط کشورهای همسایه به‌خاطر هدف قرار دادن گروه‌های تروریستی مستقر در افغانستان و همچنین گزیمه‌های زمینی توسط نیروهای پاکستانی و ایرانی برای مهار این گروه‌های تروریستی انجام می‌شود.

مردم در افغانستان به‌طور فزاینده‌ای ناراضی هستند. از مقامات بالفعل انتقاد می‌کنند و به‌طور فزاینده‌ای به جنبش تغییر می‌پیوندند. در درون خود مقامات بالفعل، اختلافات و



اختلاف نظرها افزایش می‌یابد. وخامت اوضاع در داخل کشور و افزایش سرکوب گرایی نیز منجر به افزایش انتقادات بین المللی در مورد وضعیت حقوق بشر در صحنه می‌شود.

پس از چهار سال تلاش بی‌نتیجه برای مشارکت حکومت بالفعل در گفتگو، رهبران جنبش مردمی تصمیم می‌گیرند از تلاش برای نفوذ بر حکومت دست بردارند و در عوض حکومت جدیدی ایجاد کنند. رهبران این جنبش با سازماندهی شورای به منظور طراحی و انتخاب حکومت جدید موافقت می‌کنند. آنها همچنین قبول دارند که اگر حکومت بالفعل تصمیم شورا را نپذیرد، کارهای لازمی برای سرنگونی حکومت بالفعل را انجام خواهند داد. هنگامی که این مسیر جدید اتخاذ می‌شود، چند تن از رهبران گروه که توسط جاسوسان حکومت بالفعل در گروه شناسایی و به حکومت بالفعل راپور داده شده، توسط حکومت بالفعل بازداشت می‌شوند.

در نتیجه، اعتماد میان اعضای جنبش به خطر می‌افتد و به چندین شاخه کوچکتر تقسیم می‌شود که عمداً فعالیت‌ها یا هویت‌های مشترکی با یکدیگر ندارند. با این وجود، فعالیت‌های جنبش ادامه دارد و در طول دو سال بعد، رهبران جنبش برای حفظ حمایت گسترده در کشور و همچنین جلب حمایت مسئولین سکتور خصوصی و سایر کشورها برای حکومت جدید تلاش می‌کنند.

در طول این دوره، بعضی از کشور های بیرونی از حکومت بالفعل حمایت سیاسی می‌کنند. بعضی از کشور های همسایه مورد هدف حملات فزاینده گروه تروریستی از افغانستان هستند، به شمول حمله ای که در آن 20 تن از سربازان پاکستان کشته می‌شوند. کشور های همسایه به‌طور فزاینده‌ای در سازمان ملل و سایر مجامع چندجانبه درباره تهدیدات ناشی از رشد گروه های تروریستی صحبت می‌کنند.

در سال 2027 کشور های همسایه خواستار مداخله نظامی در افغانستان می‌شوند. اما هیچ گونه مداخله نظامی اتفاق نمی‌افتد. اما توافق شده که نظارت بر فعالیت‌های تروریستی در افغانستان افزایش یابد و در صورت ادامه بدتر شدن شرایط، درباره مداخله نظامی تجدید نظر شود.

در اوایل سال 2029 اعضای جامعه مدنی در دیاسپورا در تبنانی با رهبران جنبش مردمی جلساتی را با سایر حکومت‌های قدرتمند منطقه تدویر می‌کنند. در این نشست‌ها، جنبش هیچ وعده حمایت صریحی از سوی دیگر کشورها یا شرکت‌ها به جز کشورهای همسایه دریافت نمی‌کند، اما عموماً مورد استقبال گرم قرار می‌گیرند. اعتماد به احتمال سرنگونی موفق حکومت بالفعل افزایش می‌یابد. در دور دوم نشست‌ها با حکومت‌های قدرتمند منطقه، که در اواخر سال 2029 برگزار می‌شود، جنبش به دریافت وعده‌های حمایت خصوصی چندین کشور قدرتمند منطقه موفق می‌گردد. این کشورها نه تنها نگران خشونت، مواد مخدر و تروریسم هستند که از افغانستان به سایر نقاط جهان سرایت می‌کند، بلکه فرصت‌های تجارتي قابل توجهی را در کشوری که برای تجارت باز بوده و با آن قویاً متحد است، می‌بیند.

در 15 ماه اگست 2030، یک شورای بزرگ که مورد حمایت حکومت بالفعل نیست، با حضور بیش از 1500 نماینده مردم تشکیل می‌شود. اعضای شورا با دقت توسط رهبران جنبش انتخاب می‌شود تا به‌گونه کامل نماینده‌گان سراسر افغانستان، منجمله تعدادی از اعضای طالبان معتدل‌تر انتخاب شوند. این شورا پلان‌های یک حکومت فراگیر، نقشه راه آینده افغانستان و توافق بر سر رهبری آینده حکومت موقت را نهایی می‌کند. برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه در اسرع وقت سنگ بنای اولویت‌های شورا است. شورا همچنین با بازگرداندن قانون اساسی قبلی با چند تغییر کلیدی موافقت می‌کند.

اقدامات اضافی نقشه راه آنها عبارت است، از:

- اتخاذ موضع سخت در مورد فساد؛
- افزایش تطبیق قانون جهت حصول اطمینان از آشکار شدن و مجازات فساد؛
- تغییر سیستم های مالی جهت بهبود شفافیت و حسابداری وجوه عمومی و تمویل کنندگان؛
- منع فعالیت های مرتبط با تولید مواد مخدر غیرقانونی، به شمول تولید خشخاش؛
- ایجاد تیم ملی خلع سلاح با مدیریت مشترک وزارت داخله و وزارت دفاع؛ و
- ارائه حمایت معیشتی برای مبارزان سابق و همچنین تولیدات زراعتی بدیل توسط دهاقینی که در تولید و توزیع مواد مخدر غیرقانونی دست دارند.

پس از این لویه جرگه چه وقت و چگونه جایگزین حکومت بالفعل خواهد شد؟ آیا آنها موفق به اجرای نقشه راه شان خواهند شد؟ تنش ها و جناح های فراوان درون جنبش در چارچوب یک حکومت جدید چگونه خواهد بود؟



پرده‌های باز

با تصور دور نمودن پرده‌ها جهت نگرستن به بیرون، توانایی رو به رشدی برای درک، ارتباط و تغییر وجود دارد. یک گروه کوچکی از رهبران میانه رو و مربوط به جریان‌های مختلف برای گفتگو، آشتی و سازش گرد هم می‌آید.

در حالی که در بین اعضای گروه نوعی احساس رنجش و بدبینی به گذشته وجود داشته و آنها نسبت به آینده افغانستان، دیدگاه‌های متفاوتی دارند، اما روی هم‌پذیری و اتحاد توافق صورت می‌گیرد. اینجاست که با توجه به بطنی بودن پروسه گفتگوها و آشتی، کشور به سمت یک آینده فراگیر سوق داده می‌شود.

بازیگران بین‌المللی در تسهیل و ایجاد زمینه‌های گفتگو دخیل بوده و می‌کوشند تا این پروسه به رهبری خود افغان‌ها به پیش برده شود. شرایط زندگی مردم در افغانستان به تدریج از طریق افزایش حقوق، دسترسی به نیازهای زندگی و انسجام اجتماعی در حال بهبود است.

زمان بندی

از سال 2022 الی اواخر سال 2023، وضعیت همچنان رو به وخامت است. مردم و گروه‌های سازمان‌یافته قیام می‌کنند که برخی از آن‌ها مسلح هستند، عده‌یی از آن‌ها جنبش‌های مدنی هستند، که همگی اقتدار طالبان را به چالش می‌کشند.

جامعه مدنی افغانستان مجدداً انسجام می‌یابد. فعالین جامعه مدنی در داخل کشور بر ایجاد و گسترش ارتباطات غیررسمی با فعالین جامعه مدنی در دیاسپورا، چهره‌های میانه‌رو در حکومت بالفعل و سایر احزاب سیاسی تمرکز می‌کنند.

در این مدت، سیاست‌های حکومت بالفعل از سوی جامعه بین‌المللی سرکوب‌گرانه تلقی می‌شود. جامعه بین‌المللی به ارائه کمک‌های بشردوستانه ادامه می‌دهد اما کمک‌های توسعه‌ی و سیاسی را متوقف می‌کند. عدم مشارکت جامعه بین‌المللی منجر به چالش‌های بیشتر در جامعه می‌شود. ادامه کمک‌های اضطراری جامعه جهانی و فعالیت‌های بشردوستانه سازمان‌های غیرحکومتی محلی بسیاری از افغان‌ها را قادر می‌سازد تا زنده بمانند.

همزمان، فعالیت‌های گروه‌های مسلح خیزش‌های مردمی برخی از گروه‌های تروریستی بیشتر شده با حملات پلان شده بی‌چون بمب‌گذاری مکرر شفاخانه‌ها، مکاتب، بس‌های شهری و کارخانه‌ها انجام می‌دهد. برخی از گروه‌های مسلح به دلیل سرکوب و حشبانه مردم در برابر قدرت طالبان مقاومت می‌کنند. آنها با الهام از موفقیت طالبان، در صدد رسیدن به قدرت از طریق خشونت هستند، و تصمیم گرفته‌اند که طالبان را از نظر نظامی به چالش بکشند. استخدام در این سازمان‌ها بیشتر شده که طالبان توانایی کنترل ظهور این گروه‌ها را از دست داده‌اند. قاچاق اسلحه از کشورهای همسایه در حال افزایش بوده و تولید و تجارت مواد مخدر در سال 2023 به بالاترین حد خود رسیده است.

اختلافات میان میانه‌روها و تندروها در حکومت بالفعل روز به روز آشکارتر می‌شود و درگیری‌های بین‌حزبی در حال افزایش است. به نظر می‌رسد که کشور داخل یک جنگ تمام‌عیار می‌شود.

در اوایل سال 2024 گروهی از رهبران جامعه مدنی افغانستان که از جنگ و هرج و مرج خسته شده، تصمیم می‌گیرند تا یک پلتفرم گفتگو با حکومت بالفعل، سایر گروه‌های مسلح و احزاب سیاسی ایجاد کنند. این پلتفرم گفتگو با اشتراک‌گذاری اطلاعات، شبکه‌سازی، استراتژی مشترک، گفتگو و ظرفیت‌سازی توسط فعالین جامعه مدنی افغانستان ایجاد شده از سوی جامعه جهانی مورد حمایت مالی قرار می‌گیرد. این پلتفرم با فعالیت حضوری و فضای مجازی ارتباطی را میان فعالین جامعه مدنی در داخل کشور و جامعه مدنی در دیاسپورا ایجاد می‌کند.

این گروه اهداف خود را تلاش برای صلح، آشتی و تشکیل حکومت فراگیر بیان می‌کند. اعضای این گروه که در دیاسپورا هستند با اتخاذ رویکرد دیپلماتیک، از حکومت بالفعل می‌خواهند به میز مذاکره حضور یافته و از گفتگوهای محلی دیگر نیز حمایت کند. آنها سازمان ملل را به عنوان تسهیل‌کننده و ناظر این پلتفرم‌های گفتگو پیشنهاد می‌کنند.





بسیاری از اعضای جامعه مدنی در مورد کیفیت این رویکرد گفتگو تردید دارند. آنها می‌ترسند که با دخیل نمودن حکومت بالفعل در این روند، این نهاد را توانمندتر ساخته تأثیرگذاری جامعه مدنی را کاهش خواهد داد.

در این دوره تشدید درگیری‌های مسلحانه، فقر و نارضایتی فزاینده در میان مردم و درخواست های جامعه مدنی برای پایان دادن به درگیری را به همراه دارد. حکومت بالفعل توسط سایر کشورها به رسمیت شناخته نشده و کمک‌ها بسیار محدود است. در نتیجه برخی از اعضای احزاب متخاصم به این باور می‌رسند که تنها راه برای بقای افغانستان یافتن یک راه حل سیاسی مشترک است که منجر به تشکیل یک حکومت فراگیر با آغوش باز می‌شود. همه طرف های درگیر توافق می‌کنند که با یکدیگر ملاقات نموده و تلاش می‌ورزند اختلافات خود را از طریق گفتگو و آشتی حل کنند.

ایده گفتگوها در کابل توسط جامعه بین المللی و بازیگران منطقه‌ای حمایت می‌شود. بازیگران منطقه‌ای با یکدیگر دیدار می‌کنند و به اجماع می‌رسند که درگیری در افغانستان باید پایان یابد. آنها همه طرف‌ها را در افغانستان تشویق می‌کنند تا راه حلی فراگیر برای اختلافات خود بیابند.

در اواسط سال 2024، آماده‌سازی برای این گفتگوهای مورد انتظار در کابل آغاز می‌شود. تمویل کنندگان از ظرفیت سازی و آموزش در زمینه همکاری و گفتگو برای بسیاری از افغان ها حمایت می‌کنند. اولین کسانی که پیشنهاد این ظرفیت سازی را پذیرفتند اعضای جامعه مدنی افغانستان و سایر افغان‌های مقیم دیاسپورا هستند، اما آنها تنها نیستند، بلکه رهبران مذهبی مستقل، اعضای طالبان، اعضای دیگر گروه های مسلح و همچنین احزاب سیاسی در برنامه‌های ظرفیت سازی شرکت می‌کنند. این ظرفیت‌سازی علاوه بر آمادگی برای گفتگو منجر به روابط سازنده‌تر و همکاری بیشتر میان شرکت‌کنندگان نیز می‌شود.

در همین زمان، بسیاری از اعضای جامعه مدنی و بازیگران رسانه‌ها مفاهیم عفو و بخشش، پذیرش، تحمل، جبران خسارت، توان‌بخشی، پیشگیری و مقابله با کمپاین‌های اطلاعات نادرست که باعث تضعیف گفتگوها می‌گردد را ترویج می‌کند. در تمامی

رسانه‌های اجتماعی و متعارف، این پیام‌ها گسترده‌تر شده و این احساس در میان افغان‌ها وجود دارد که امکان همزیستی ممکن است.

در اواخر سال 2024، نخستین گفتگوی ملی به عنوان بخشی از "روند کابل" در هوتل اینترکانتیننتال کابل برگزار می‌گردد. در این برنامه که توسط سازمان ملل متحد میزبانی و تسهیل می‌شود، افغان‌های داخل و خارج از کشور گرد هم آمده و دیدگاه‌های خویش را در مورد آینده کشور با هم شریک می‌نمایند. این گروه‌ها شامل اعضای حکومت بالفعل، گروه‌های مسلح، رهبران مذهبی، جامعه مدنی، رسانه‌ها، بخش خصوصی، دانشگاهیان و رهبران سیاسی گذشته است. حاضرین در این فرآیند شامل مردان و زنان از همه مناطق و اقوام کشور و شامل جوانان و بزرگان می‌گردند. موضوعات اصلی این گفتگوها، در ابتداء درخواست از سازمان ملل است تا به عنوان ناظر عمل نموده و نیروهای حافظ صلح خود را به افغانستان اعزام کند تا از بروز درگیری‌های مسلحانه حین انجام مذاکرات جلوگیری کند ساختار احتمالی سیستم حکومت‌داری در اخیر این گفتگوها بحث می‌شود، قانون اساسی، قوانین عادی، استقلالیت و آزادی‌ها (آزادی بیان، آزادی سخنرانی)، حقوق، مشارکت سیاسی و نقش زنان و جوانان دستور کار مذاکرات آتی را تشکیل می‌دهد.



پس از اولین گفتگو، توافقی میان همه طرف‌ها به‌میان آمده متعهد می‌شوند که از هر شهروند افغانی که می‌خواهد به کشور بازگردد، محافظت شود. گرچه بسیاری از قابل اعتماد بودن این تعهد نگران هستند، اما باعث بازگشت تدریجی افغان‌ها از دیاسپورا می‌شود. نظارت جامعه مدنی محلی بر بازگشت‌های اولیه توسط جامعه مدنی محلی از بازگشت‌های بیشتر حمایت می‌کند.

در اوایل سال 2025، فرآیندهای دیالوگ محلی در سراسر کشور آغاز می‌شود. این فرآیندها با گفتگوها در سطح ملی مرتبط و منعکس کننده بسیاری از آن گفتگوها است. زنان، شوراها و ملا امامان محلی با اشتراک‌شان در این پلتفرم به آن انگیزش و مشروعیت می‌بخشند. آنها دیدگاه‌هایی را از سراسر کشور برای کمک به اطلاع‌رسانی به روند ملی و ایجاد فضای توسعه، درک مشترک و اقدام محلی ارائه می‌دهند. در سرتاسر کشور روحیه فرهنگ گفتگو با توانایی جهت بحث در مورد مسائل مربوطه ترویج می‌شود.

رسانه‌های خبری و اجتماعی نقش مهمی در دخیل‌سازی بیشتر مردم در این گفتگوها را دارد. بینش‌ها و دیدگاه‌ها به‌طور گسترده از طریق رسانه‌های معمولی و اجتماعی به اشتراک گذاشته می‌شود. درجه فزاینده‌ای از آزادی بیان و سخنرانی در رسانه‌های افغانستان دیده می‌شود ترویج فرهنگ آزادی بیان گسترده‌تر می‌شود.

با بازگشت روزافزون افغان‌ها از دیاسپورا، فعالیت‌های جامعه مدنی در عرصه رفع نیازهای مردم افغانستان رشد می‌کند.

در تمام این دوره، شکاف‌ها و تنش‌ها میان فعالین جامعه وجود دارد. در داخل تشکیلات مذهبی و حکومت بالفعل، تعداد زیادی از افراد باورمند هستند که دخیل شدن در دیالوگ و سازگاری، کشور را به سوی سکولریزم می‌برد که در آن به تعلیمات دینی احترام قایل نشده و فرهنگ غربی را غالب می‌سازد. این فعالین محافظه‌کار با کسانی که هدف‌شان ساختن یک حکومت همه شمول است، در تضاد هستند. برای کاهش این تنش‌ها، طرف‌های درگیر در گفتگو همچنان با ارسال پیام‌های روشن ادامه می‌دهند که افغانستان یک کشور اسلامی بوده و خواهد بود، اسلام دین قابل احترام بوده و اجازه مداخله خارجی در امور افغانستان را نخواهد داد.

همچنان در جامعه مدنی نیز عده‌یی معتقدند که دیالوگ و کار با حکومت بالفعل منجر به کشوری می‌شود که در آن حقوق بشر رعایت نمی‌شود و تبعیض‌های قومی و جنسیتی ترویج می‌داشته باشد. برخی از این فعالین جامعه مدنی علناً از روند گفتگو انتقاد می‌نمایند از شرکت در آن پرهیز می‌کنند و اما برخی‌ها استراتژی‌های سازماندهی مخفیانه‌یی را اتخاذ می‌کنند. در میان فعالین حامی روند گفتگو نیز تنش‌های وجود دارد و برخی اعضای این روند برای گسترش نفوذ، شهرت و دستیابی به قدرت تلاش می‌کنند. این تنش‌ها گاهی در اتهام جاه طلبی شخصی و سیاسی شعله ور می‌شود.

در اواسط سال 2025، گروه کوچکی از نیروهای حافظ صلح بین‌المللی برای کمک به حفاظت از غیرنظامیان، کاهش خشونت‌ها، تقویت امنیت، حمایت از گفتگوهای سیاسی ملی و توانمندسازی مقامات ملی برای پذیرفتن مسئولیت‌ها وارد افغانستان می‌شود.

تا اوایل سال 2026، فعالین دخیل در "روند کابل" به گفتگوهای بیشتری می‌پردازند. در این دوره از گفتگوها، گروه‌های بیشتری مانند قربانیان جنگ، اقلیت‌ها، گروه‌های مذهبی، محصلین و اعضای دیاسپورا در بحث شرکت می‌کنند تا در مسیر آینده افغانستان سهیم باشند. این گروه‌ها در طول مذاکرات در کمیته‌های فرعی شرکت نموده یافته‌ها و خواسته‌های خود را به تیم مذاکره‌کننده تحویل می‌دهند تا در تصمیم‌گیری‌ها از آن استفاده شود.

تا اواسط سال 2026، طرف‌های دخیل در گفتگو درباره ساختار جدید حکومت به توافق می‌رسند، با اصلاح قانون اساسی فعلی موافقت می‌کنند، تعهد خود را به معاهدات بین‌المللی اعلام می‌نمایند و روی جدول زمانی برای سازماندهی و برگزاری انتخابات توافق می‌کنند. همه طرف‌ها اذعان می‌دارند که مشارکت فعال زنان در همه فرآیندها، کلید موفقیت این روند است. علاوه بر این در مورد فرآیند خلع سلاح که توسط سازمان ملل مدیریت می‌شود توافق می‌نمایند. آن‌ها تشخیص می‌دهند که همه طرف‌ها مرتکب جنایات شده‌اند، از مردم برای توان‌های که بر آنها تحمیل گردیده بخشش خواسته شود.

در طول این سال‌ها هیچ مداخله قابل توجهی در زمینه توانمندسازی زنان صورت نگرفته و بسیاری از چالش‌های گذشته به حال خود باقی است. اما زنان فعالانه در گفتگوها در پروسه کابل و نیز در سطح جامعه شرکت می‌کنند. طرف‌های دخیل در این گفتگو توافق می‌کنند که هیچ قانون و مقرراتی وجود نخواهد داشت که مانع مشارکت فعال زنان در همه جنبه‌های زندگی شود.

به‌صورت عموم در این دوره، افزایش مستمر سرمایه‌گذاری حکومتی و خصوصی در کشور وجود می‌داشته باشد. بعضی از سرمایه‌گذارانی که افغانستان را ترک کرده بودند، به‌کندی بازگشت می‌کنند. برخی از بزرگترین شرکت‌ها در حال بررسی راه‌های کمک به اقتصاد کشور هستند.

تا پایان سال 2026، به‌عنوان یک نتیجه مشخص از گفتگوهای جاری از طریق پروسه کابل، یک حکومت فراگیر و انتقالی تشکیل می‌شود که در آن مردان و زنان از تمام مناطق، گروه‌های قومی و طیف وسیع سیاسی کشور مشارکت می‌کنند. اکثریت بازیگران در جامعه بین‌المللی این حکومت انتقالی جدید را به‌عنوان یک مرجع مشروع می‌شناسند و با آن روابط رسمی برقرار می‌کنند.

از سال 2027 تا 2028 حکومت انتقالی کار روی تدوین قانون اساسی جدید ادامه می‌دهد. به موازات آن، فعالیت‌های کلیدی داخلی آن چون سازماندهی و تسهیل انتخابات ملی و محلی، خلع سلاح، و تلاش برای آشتی ملی روی‌دست گرفته می‌شود. تا اواسط سال 2028، برنامه‌های مقدماتی و در سال 2029 برنامه اساسی برگزاری انتخابات ملی و محلی روی‌دست شده و به تعقیب آن برنامه‌های خروج نیروهای حافظ صلح اجراء می‌گردد.

در سطح بین‌المللی، حکومت موقت بر جذب کمک‌های بین‌المللی برای کاهش رنج مردم تمرکز می‌کند. جامعه بین‌المللی و بازیگران منطقه‌ای از نقش این حکومت انتقالی حمایت می‌کنند و کمک‌های خود را گسترش می‌دهند.

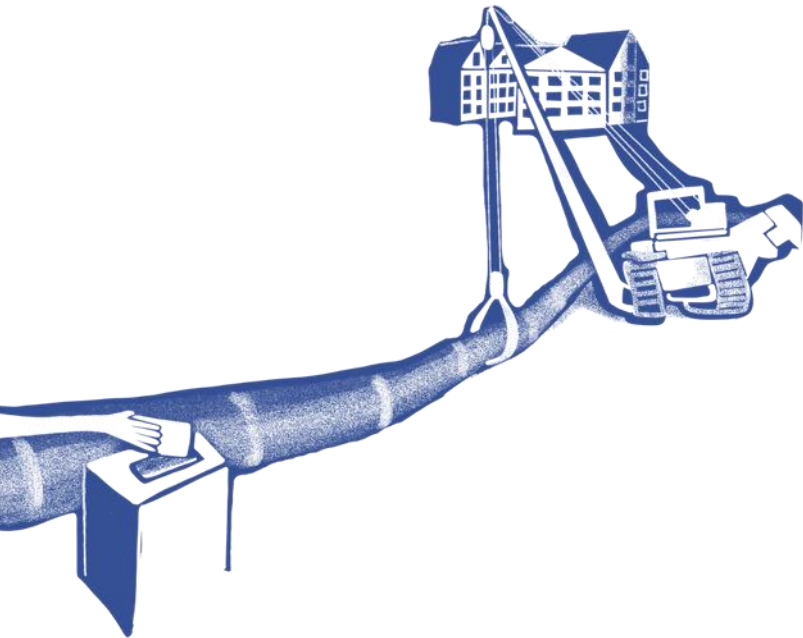
توسعه انسانی در حال پیشرفت هستند. پس از انتخابات، حکومت جدید منتخب اعلام شده که توسط جامعه بین المللی و بازیگران منطقه ای به رسمیت شناخته می‌شود. این حکومت تازه منتخب وعده می‌دهد که به توافقنامه حاصل از پروسه کابل پایبند بوده، برای رفع نارضایتی‌های باقیمانده و کمک به التیام زخم‌های ملت اقدام نموده و یک سلسله برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای بهبود وضعیت افغانستان و مردم را راه اندازی می‌کند.

حکومت پس از انتخابات چگونه خواهد بود؟ آیا این تحولات در درک متقابل ادامه خواهد داشت؟ آیا سرمایه‌گذاری خارجی به زندگی بهتر مردم در افغانستان منجر خواهد شد؟

در اوایل سال 2029، کمپاین گسترده‌یی از سوی جامعه مدنی برای بسیج مردم جهت آموزش روند رأی‌دهی و اشتراک در انتخابات در سراسر کشور راه اندازی می‌شود.

در اواخر سال 2029، انتخابات ملی و محلی برگزار می‌شود که با استقبال گسترده مردم افغانستان مواجه می‌شود.

در اوایل سال 2030، اکثریت افغان‌ها هنوز زیر خط فقر ملی زندگی می‌کنند و اختلافات میان گروه‌های قومی و زنان و مردان همچنان ادامه دارد. حوادث خشونت هنوز هم رخ می‌دهد و برخی هستند که در صورت عدم موفقیت روند انتقال به حکومت جدید، آماده اند که اسلحه بردارند. با این وجود، درک متقابل چنانچه اقتصاد رشد می‌کند و شاخص‌های



شرکت کنندگان

تیم سناریو برای آینده جامعه مدنی افغانستان شامل یک گروه مختلف متشکل از 30 تن از فعالان و کارشناسان جامعه مدنی افغانستان است. آنها منحصراً یک تیم، طیفی از سوابق و دیدگاه‌های مختلف (حرفه‌های مختلف، جنسیت، نسل‌ها، تخصص موضوعی، سوابق قومی، مذهبی، زبانی و منطقه‌ای) دارند که آنها را با هم قادر می‌سازد تا چالش‌های پیش روی جامعه مدنی افغانستان را عنوان یک مشکل کلی درک کنند.

این سناریوها مجموعه‌ای از چهار آینده تخیلی متفاوت است. تقریباً هر عضو تیم سناریو احتمالاً با معقول بودن یا مرتبط بودن عناصر خاص در یک یا چند سناریو موافق نیست. در نتیجه، این فهرست از اشتراک‌کنندگان نشان‌دهنده اجماع روی هیچ پیشنهاد ضمنی یا احتمال رویدادهای آینده نیست، بلکه صرفاً خود اشخاص را نشان می‌دهد - گروهی از فعالین مختلف، متعهد و دلسوزی که با هم کار کردند به این امید هستند که این سناریوها ممکن گفتگوهای استراتژیک و گسترده‌تر را تشویق کند که در پیشرفت افغانستان کمک نماید.

ل نازیلا جمشیدی

ذکیه محمودی

خان آقا داودزی

یونس طغرا

محمد رضا رفعت

نجیب پیکان

عنا امین

نیلوفر ایوبی

سونیا احمدی

عالیه یلماز

خالد فهیم

جواد اسلمی

الهام کوهستانی

مرضیه قربانی

عبدالله هیواد

لطف الله نجفی زاده

نور گدون‌وال

حیدر افضلی

عزیز رفیع

دانش کروخیل

مشارکت کنندگان

مصطفی صدوقی

دانش کروخیل

پرستو یاری

عزیز الرحمن رفیعی

این ابتکار توسط آکادمی فولکی برنادوته

Folke Bernadotte با همکاری شرکای

Reos Partners و تحت چتر

مکانیزم حمایت صلح اتحادیه اروپا در

افغانستان (EU APSM) تطبیق شد.



پیشنهاد می‌کنیم قبل از انجام تمرینات بعدی، متون سناریو را به‌طور کامل مطالعه کنید

”دخیل شدن با آینده در آینده نه؛ بلکه در زمان حال انجام می‌شود. تمرکز بر آینده، نحوه نگرش ما به زمان حال را تغییر می‌دهد، قسمی که ما زمان حال و نیازهای استراتژیک آن را ’مجدداً درک‘ می‌کنیم. یادگیری از آینده هیجان انگیز و چالش برانگیز است زیرا نحوه تعامل ما با زمان حال را برای همیشه تغییر می‌دهد.

— اولیور فریمن (Oliver Freeman)

1. تفکر فردی درباره سناریوها من شخصاً درباره سناریوها چی فکر می‌کنم و نقش خودم را در تأثیرگذاری بر آنها چگونه می‌بینم؟

سناریوهای آینده جامعه مدنی افغانستان برای همه افغان‌ها و برای بسیاری از غیرافغان‌های که ایده‌ها و اقدامات‌شان بر آینده کشور و مردم آن تأثیر می‌گذارد، مرتبط است.

در اینجا مجموعه‌ای از سؤالات و ابزارها به‌خاطر تفکر فردی درباره سناریوها را ارائه می‌کنیم. از شما می‌خواهیم که شخصاً بر این سؤالات برای پنج دقیقه و یا چند ساعت فکر کنید. شاید بخواهید چیزی را ترسیم کنید یا در مجله تان آن را بازتاب دهید. ما از شما دعوت می‌کنیم تا در صورت تمایل، نتایج تأملات خود را از طریق تعامل مجازی یا حضوری با هم‌تایان، شرکا، همکاران و حتی کسانی که با آنها مخالف هستید، به اشتراک بگذارید.

سؤالات برای تفکر انفرادی

هر سناریو

هر سناریو کدام احساسات ام را بر می‌انگیزد؟

این سناریوها پیش بینی نیست.

این پیشنهاد نیست.

این داستان‌هایی است که مسیرهای احتمالی آینده را تشریح می‌کند تا ما را در صحبت و تفکر و درک عمیق‌تر درباره واقعیت فعلی ما کمک نماید.

موفقیت یک سناریو یا مجموعه‌ای از سناریوها بر اساس اتفاق افتادن آن در آینده نه، بلکه بر اساس تأثیرگذاری آن بر استراتژی‌ها و گزینه‌های امروزی ارزیابی می‌شود. گاهی اوقات مهم‌ترین سناریو، قهقرانگری، سناریویی است که از آن اجتناب می‌کنیم.

در ترتیب سناریوها، یک زبان مشترک را ایجاد می‌کنیم که به ما امکان صحبت درباره چالش‌های حال و آینده را می‌دهد. بر اساس این گفت‌وگو، ما می‌توانیم گزینه‌ها را ایجاد کنیم و متحدین استراتژیک را شکل دهیم که زمینه ارتقای واقعیت آینده مطلوب ما را فراهم می‌کند. بنابراین، تفکر و گفت‌وگو درباره آن برای افراد به‌خاطر موفقیت آمیز بودن سناریوها لازمی است. این بازتاب می‌تواند فردی یا جمعی، رو در رو و یا مجازی باشد.

هدف از انعکاس ساختاریافته سناریوها رسیدن به اجماع در مورد آنچه اتفاق خواهد افتاد نیست. اشتراک‌گروه‌های مختلف در بحث درباره احتمال اتفاق افتادن موارد با استفاده از سناریوها به‌خاطر اطلاع‌رسانی و الهام بخشیدن استراتژی‌های فردی و جمعی و همچنین تعیین مسیرهای ممکن و مراحل بعدی است.

در هر سناریو کدام موضوع برایم بیشتر متمایز است؟
در این سناریو از کدام فرصت ها می توانم بیشترین استفاده را بکنم و با کدام تهدیداتی روبرو هستم؟

امروز کدام کار را می توانم انجام دهم تا برای این آینده احتمالی آماده باشم؟
اگر این سناریو اتفاق بیافتد، بر من، گروپ‌هایی که عضو آنها هستم و بر مردم افغانستان چی تأثیری خواهد داشت؟

مجموعه سناریوها

تمامی سناریوها کدام احساسات ام را بر می انگیزند؟
حالا چی می بینم که قبلا ندیده بودم؟

آینده

آینده کدام موضوع من را نگران می سازد؟
آینده کدام موضوع مرا به هیجان می آورد؟

نقش من

ساحه نفوذ من کدام است؟

کدام نقش را می خواهم بازی کنم؟

کدام کاری را می توانم انجام دهم تا بر آینده تأثیر بگذارم؟ کدام اقدامات را می توانم انجام دهم؟

2. انتشار سناریوها و ایجاد تحرک برای گفتمان های گسترده تر

چگونه سناریوها را به گونه موثر به یک گروپ ارائه نمایم تا تحرک به خاطر گفتمان ها درین مورد ایجاد گردد؟

سناریوها تنها یک محصول همراه با یک پیام نه بلکه وسیله محرکه به خاطر تفکر، بحث و اقدام می باشد. سناریوهای آینده جامعه مدنی افغانستان فراهم کننده زمینه دخیل شدن صداهاى مختلف و جلب توجه به فرصت‌ها، خطرات و گزینه‌های احتمالی مرتبط به آینده کشور، مردم و نهادهای آن است.

شما می‌توانید با ترتیب پرزینتیشن ها یا ارائه ها، راه اندازی گفتمان‌ها یا مناظره ها، جلسات و ورکشاپ‌های آموزشی و با انتشار اخبار درباره سناریوها از طریق رسانه‌ها و شبکه های اجتماعی به این روند و تلاش سهیم شوید.

شما می‌توانید سناریوها را به طرق زیر به اشتراک بگذارید:

1. جهت شریک نمودن سناریوها از کنفرانس‌ها و سمینارهای موجود که در آنها شرکت نموده اید، استفاده کنید
2. با کسانی که در رسانه‌های اجتماعی درباره موضوعات مرتبط بحث می‌کنند تعامل داشته و لینک سناریوها را شریک کنید .
3. برای همکاران، همتایان یا شرکای استراتژیک تان یک جلسه توجیهی یا گفتمان را تدویر کنید
4. درباره و مرتبط به سناریوها ، مقالات یا پست های ویبلاگ و بینش تان را بنویسید

3. بازتاب جمعی درباره سناریوها

بازتاب جمعی در مورد سناریوها را چگونه تسهیل کنم؟

فراتر از انتشار سناریوها و ایجاد آگاهی، می‌توانید راه‌های بیشتری برای افرادی که نظریات مشترک درباره سناریوها دارند، را جستجو کنید. مثلاً، می‌توانید میزبان یک بازتاب جمعی میان جامعه، سکتور، همسالان، یا مردم مختلفی که در فعالیت‌های روزمره شان باهم مشترکاً کار نمی‌کنند باشید. هدف از بازتاب جمعی شما ممکن تعمیق درک گروپ از موضوعات در حال ظهور و یا تبادل افکار برای اقدامات احتمالی باشد.

اگر می‌خواهید به سطح عمیق‌تری از دیالوگ برسید، پیشنهاد می‌کنیم جلساتی را تدویر کنید که حداقل چهار ساعت طول بکشد، بنابراین زمان بیشتری خواهید داشت تا هم محتوای سناریوها را درک و موشگافی کنید و هم به بینش جدید درباره مفاهیم آن برای گروپ برسید.

برای ساختار این گفت‌وگو می‌توانید از جدول زیر استفاده کنید.

این سناریو کدام فرصت‌ها را در اختیار ما قرار می‌دهد؟	این سناریو ما را با کدام چالش‌های مواجه می‌کند؟	به‌خاطر تطبیق این سناریو چی کنیم؟	جهت تأثیرگذاری بر این سناریو چی کنیم؟
			کرکره
			نور از لابه‌ای درزها
			نسیم تغییر
			پرده‌های باز

4. استفاده از سناریوها در تنظیم آموزش

چگونه می‌توانم از سناریوها برای آموزش شاگردان درباره رسیده‌گی به مسایل افغانستان و یا فراتر از آن استفاده کنم؟

سناریوها می‌تواند یک عنصر محرک در برنامه‌های آکادمیک در عرصه‌های ایجاد صلح، حکومت‌داری، حقوق بشر، جامعه‌شناسی یا سایر رشته‌ها باشند.

اگر شما یک معلم یا استاد هستید، می‌توانید لکچری را درباره سناریوها تهیه نموده و یا از گزارش، صفحه انترنیتی و پُست‌های رسانه‌های اجتماعی را منحصیث مواد درسی استفاده کنید.

تدویر یک مناظره یا سمینار آکادمیک درباره چهار سناریو یک گزینه دیگر است که می‌توانید از اشتراک کنندگان بخواهید تا نظریات شان را درباره چالش‌ها و فرصت‌های منعکس شده در سناریوها و پیامدهای آن بر پالیسی یا استراتژی بیان کنند.

5. توسعه استراتژی و پالیسی همراه با سناریوها

چگونه سازمان من و یا سایرین می‌تواند از سناریوها برای بهبود استراتژی یا پالیسی‌های ما استفاده کند؟

سناریوها ابزار مفید برای ترتیب و یا بازنگری استراتژی جمعی و یا یک سازمان و رهنمود ترتیب پالیسی‌های جدید هستند.

وقتی که با سناریوها کار می‌کنیم، به تصویر بزرگتر و بلندمدت می‌نگریم. سناریوها مستقیماً پاسخی برای کارهای که فردا باید انجام شود، را ارائه نمی‌دهند. اما با تأمل در پیامدهای هر سناریو، متوجه می‌شوید که می‌خواهید سازمان شما در کدام موقعیت باشد، به کدام نیروها باید توجه کنید و برای آینده رو به رشد افغانستان تلاش‌های شما به بهترین وجه در کجا به خرج می‌رسند. سناریوها همچنین یک وضاحت استراتژیک را ایجاد می‌کنند که به شما در ترتیب پلان ابتکارات و اقدامات تان کمک می‌کند.

در اینجا نظریات، سوالات و ابزارهایی وجود دارد که می‌توانید جهت برآورده نمودن نیازهای ترتیب پلان استراتژیک خاص تان از آن استفاده کنید.

سوالات برای ترتیب استراتژی

این سناریوها کدام فرصت‌ها، خطرات و چالش‌های را برای سازمان یا همه ما فراهم می‌کند؟
باید متوجه کدام قوت‌ها، شاخص‌ها یا اشارات هشداردهنده مرتبط به ما باشیم؟
با در نظر گرفتن این چهار سناریو، استراتژی‌های فعلی ما چگونه پایدار می‌ماند؟
می‌خواهیم در کدام موقعیت در هر سناریو باشیم؟
واقعیت مورد نظر ما کدام است؟
کدام استراتژی‌ها و یا پالیسی‌های را می‌خواهیم تعقیب کنیم؟
کدام کارها را باید انجام ندهیم، کدام کارها را باید آغاز کنیم و کدام کارها را باید ادامه دهیم؟
حالا باید به چی چیزی فکر کنیم و کدام کار را باید انجام دهیم؟

این ابتکار توسط آکادمی فولکه برنادوته با همکاری شرکای ریوس و تحت چتر میکانیزم حمایت از صلح اتحادیه اروپا در افغانستان (EU APSM) طرح و تطبیق گردید.

این سند با کمک مالی اتحادیه اروپا تهیه شده است. نظریات مندرج در این سند به هیچ وجه منعکس کننده نظر رسمی اتحادیه اروپا نمی باشد.

تصاویر و طراحی توسط تووا مایس Toa Maes.

این اثر توسط نهاد بین المللی غیرتجاری ایجادکننده اسناد مشترک Creative Commons Attribution-NonCommercial-ShareAlike4.0 مجوز حاصل نموده است.

جهت کسب معلومات بیشتر به این ایمیل آدرس info@fba.se ایمیل بفرستید



FBA



ReosPartners



Sida